

♦ در زبان انگلیسی "take" توضیح کامل فعل

یکی از پرکاربردترین و چندمنظوره‌ترین افعال در زبان انگلیسی است. این فعل معانی و کاربردهای بسیار متنوعی دارد که "take" فعل (expressions) و اصطلاحات (phrasal verbs) بسته به جمله می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. همچنین، در افعال عبارتی زیادی به کار می‌رود.

1. ♦ معنی اصلی فعل "take"

به معنای گرفتن یا برداشتن چیزی با دست یا منتقل کردن چیزی از جایی به جای دیگر است "take" در ساده‌ترین حالت، فعل

مثال: 

- *She took the book from the shelf.*
او کتاب را از قفسه برداشت.

2. ♦ معانی رایج و مثال‌ها

الف) برداشتن یا حمل فیزیکی

- *Take your umbrella with you.*
چترت را با خودت ببر.

- *He took the keys from the table.*
او کلیدها را از روی میز برداشت.

ب) استفاده یا مصرف کردن

- *Take a pill/tablet twice a day.*
روزانه دو بار قرص مصرف کن.

- *She took a deep breath.*
او نفس عمیقی کشید.

پ) استفاده از وسیله نقلیه یا مسیر

- *Take the bus to school.*
با اتوبوس به مدرسه برو.

- *He took the wrong road.*
او مسیر اشتباهی را رفت.

ت) پذیرفتن یا دریافت کردن

- *She took the job offer.*
او پیشنهاد شغلی را قبول کرد.

- *Will you take credit cards?*
آیا کارت اعتباری قبول می‌کنید؟

✓ (ث) برداشتن یا حذف

- *Take off your shoes.*
کفش‌ها را در بیاور.
- *They took my phone away.*
آنها گوشی‌ام را بردند.

✓ (ج) تجربه کردن

- *The movie took my breath away.*
فیلم نفس مرا برید.
- *She took a long shower.*
او دوش طولانی‌ای گرفت.

✓ (چ) درک یا واکنش نشان دادن

- *Don't take it personally.*
موضوع را شخصی نگیر.
- *He took it as a compliment.*
او این را به‌عنوان یک تعریف برداشت کرد.

3. افعال عبارتی (Phrasal Verbs) با "take"

فعل عبارتی	معنی	مثال
take off	بلند شدن (هواپیما)، درآوردن	The plane took off at 8 PM.
take out	بیرون آوردن، دعوت کردن	I'll take you out for dinner.
take over	کنترل گرفتن	She took over the project.
take up	شروع کردن (هوا، سرگرمی، فضا)	I've taken up painting.
take in	جذب کردن، فریب خوردن	I couldn't take in all that info.
take apart	باز کردن قطعات	He took the phone apart.
take away	بردن، کم کردن	Take away 5 from 10 and you get 5.
take to	علاقه پیدا کردن	She took to her new cat.
take down	نوشتن، پایین آوردن	Take down these notes.
take through	توضیح دادن مرحله به مرحله	Let me take you through it.
take upon oneself	به عهده گرفتن	She took it upon herself.
take after	شبیه بودن به فامیل	He takes after his father.
take out on	خالی کردن عصبانیت	Don't take it out on me.

4. اصطلاحات رایج (Expressions) با "take"

اصطلاح	معنی	مثال
take your time	عجله نکن	Take your time — no rush.
take a break	استراحت کن	Let's take a break.
take part in	شرکت کردن	She took part in the contest.
take it easy	راحت باش	Take it easy this weekend.
take charge	مسئولیت گرفتن	He took charge of the team.
take responsibility	پذیرفتن مسئولیت	She took responsibility.
take a look	نگاه انداختن	Take a look at this page.
take a nap	چرت زدن	He took a nap.
take a trip	سفر رفتن	We took a trip to Isfahan.
take a seat	بنشین	Please take a seat.
take notes	یادداشت برداشتن	Take notes in class.
take the blame	تقصیر را به گردن گرفتن	He took the blame.
take it too far	زیاده روی کردن	You took the joke too far.
take sides	طرفداری کردن	Don't take sides.

5. ساختارهای دستوری فعل "take"


take: مصدر

took: گذشته ساده

taken: اسم مفعول

taking: حال استمراری

takes: شخص سوم مفرد

مثالها: 

I take vitamins every morning.

She took the test last week.

Have you taken your medicine yet?

He is taking the day off.

6. اصطلاحات پیشرفته با "take"

- **take a stand** – موضع گیری کردن
She took a stand against injustice.
- **take something for granted** – قدر چیزی را ندانستن
Don't take your family for granted.
- **take the lead** – رهبری را به دست گرفتن
He took the lead in the race.

7. خلاصه

فعل "take" یکی از افعال بسیار پرکاربرد در زبان انگلیسی است که می تواند:

- عمل (برداشتن کتاب)،
- مصرف (دارو)،
- جابه جایی (سوار تاکسی شدن)،
- تجربه (ریسک کردن)،
- و بسیاری معانی دیگر را بیان کند.